

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

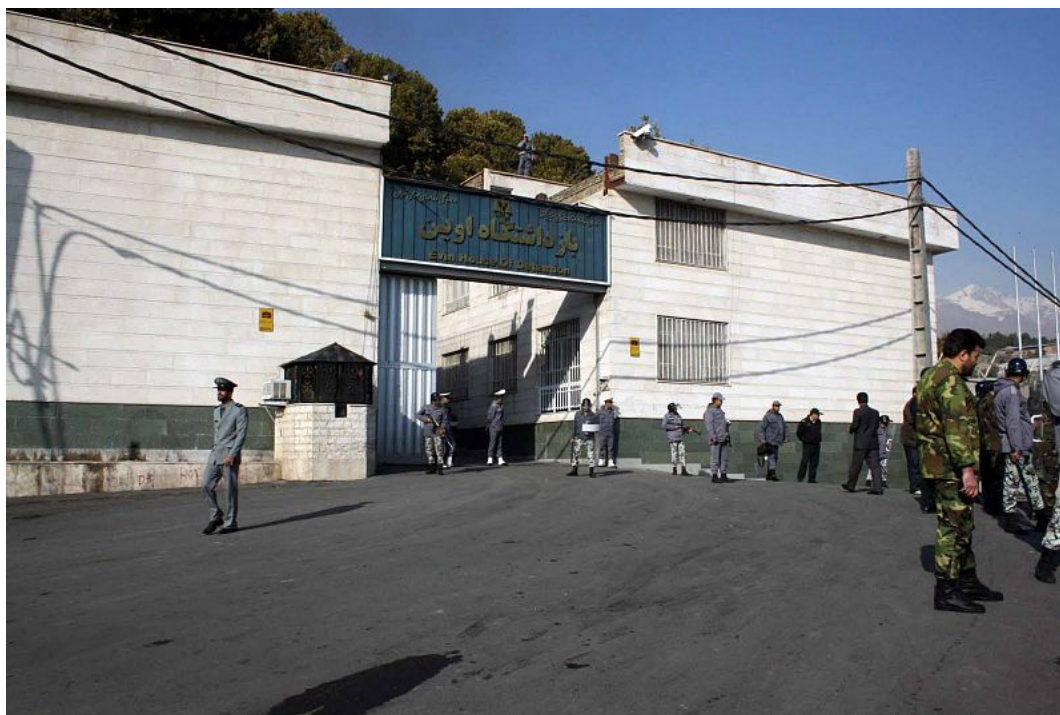
Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: جهانگیر محبی

۲۸ دسمبر ۲۰۱۱

آنسوی دیوار به آفتاب؛ سلامی دوباره خواهیم کرد



زندان، شکنجه و اعدام اهرم های بقای جوامع سرمایه داری نوع ایران است. هر انسانی اعم از کارگر، معلم، دانشجو، بیکار و غیره، در مبارزه با سیستم سرکوب و نظم طبقاتی سرمایه، صرف نظر از رنگ، نژاد و منطقه جغرافیایی همواره در معرض خطر زندان، شکنجه و اعدام قرار دارد. زندانیان سیاسی در سراسر جهان به عنوان نیروهای بالنده جامعه مورد شدیدترین شکنجه ها و سرکوبها قرار می گیرند. کنفرانس بین المللی همبستگی، دفاع و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در جهان که امسال در کپنهاک دانمارک برگزار می شود تلاش دارد خارج از تمامی مرزهای جغرافیایی برای رهائی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی در سراسر جهان با همدلی و یک پارچگی ضمن بررسی راه کارهای عملی پلی باشد برای پیوند زندانیان سیاسی جهان.



همبستگی، دفاع و مبارزه برای رهایی زندانیان سیاسی در سراسر جهان

سخنران : همایون ایوانی

با درودهای گرم به همه رفقاء، دوستان و حاضران در کنفرانس از طرف هیأت ایرانی و نیز به عنوان یکی از همکاران گفت و گوهای زندان (ابتکار عمل مشترک زندانیان سیاسی سابق ایران علیه سرکوب، اختناق و زندان)، به شما خوش آمد می گویم. این کنفرانس فرصت بسیار مناسبی است که تصویری واقعی از وضعیت زندانیان سیاسی در کشورهای مختلف به دست آوریم و مبارزه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی جهان را ژرفتر سازیم. من به سهم خودم، تلاش خواهم کرد که گزارشی فشرده از وضع زندانیان سیاسی ایران و چشم انداز همکاری و همبستگی با زندانیان سیاسی جهان ارائه دهم:

• جمهوری اسلامی از آغاز تاکنون

رژیم جمهوری اسلامی ایران از آغاز روی کار آمدنش، دشمنی با حقوق دموکراتیک مردم ایران و نیز سرکوب جنبشهای اجتماعی و سیاسی را در دستور کار خود قرار داده است. سرکوب در همه زمینه ها سازمان یافت: آزادی تجمعات و مطبوعات در شهرهای اصلی، مورد تعرض حکومت قرار گرفت. جنبش زنان بایستی با از دست رفتن حقوق اولیه خود به مبارزه مرگ و زندگی می پرداخت. جنبش خلقهای ایران، در کردستان، ترکمن صحرا، بلوچستان و خوزستان مورد سرکوب خشن نظامی قرار گرفت. شوراهائی را که کارگران در کارخانه، کارمندان در ادارات و آموزش و پرورش، دانشجویان و دانش آموزان در دانشگاهها و یا مدارس در روند مبارزه با رژیم شاه شکل داده بودند، ممنوع شد و رژیم جمهوری اسلامی به سرکوب و تعقیب فعالان سیاسی و روشنفکران و هنرمندان پرداخت. اعدامها که از همان آغاز حکومت آغاز شده بود با اوج گیری مبارزات مردم و مخالفان، از سال ۱۹۸۱ به اعدامهای گسترده شبانه-روزی تبدیل شد. روزنامه های رسمی دولت، خبر اعدام روزانه ۱۰۰ تا ۲۵۰ زندانی سیاسی را برای گسترش موج هراس در سطح جامعه منتشر می کردند. با این حال، این کشتارها قادر به مهار جنبش اعتراضی و حضور نیروهای کمونیست، سوسیالیست و پیشرو در سطح جامعه نبود.

در تابستان ۱۹۸۸ کشتار زندانیان سیاسی، با هدف نسل کشی و از بین بردن تمامی بازماندگان سازمان ها و احزاب مخالف و چپ آغاز شد. رژیم جمهوری اسلامی با کشتار از قبل برنامه ریزی شده و سیستماتیک زندانیان سیاسی ای که سالها در زندان به سر می بردند، دست به جنایت علیه بشریت زد. آمار دقیق کشتار تاکنون برای ما روشن

نیست، ولی نام و مشخصات نزدیک به ۵۰۰۰ زندانی اعدام شده تاکنون به دست آمده و تخمین اعدامیان در تابستان ۱۹۸۸ از ۷۰۰۰ نفر تا ۱۲۰۰۰ نفر در نوسان است. کشتار زندانیان سیاسی ایران در تابستان ۱۹۸۸ یکی از نقاط تاریکی است که تمامی آمران و عاملان آن در رژیم جمهوری اسلامی باید پاسخگوی آن باشند و قتل هزاران زندانی سیاسی، مشمول مرور زمان نخواهد شد.

• درگیری های جناح های قدرت در ایران و آلترناتیو چپ

حکومت نظامی- پولیسی که توسط دولت احمدی نژاد نمایندگی می شود با اتکاء به سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات و نیروهای شبه نظامی بر روی کار است که به اساس غارت و چپاول منابع مالی و نفتی کشور ایران به تجهیز نیروهای ارتجاعی، فاشیست و اسلامگرا در داخل ایران و مناطق مختلف جهان پرداخته است. ما نقش ارتجاعی این دولت را که چپاول سرمایه دارانه را با اهرمهای نظامی به ابعاد بی سابقه ای کشانده، در سرکوب مبارزه طبقاتی و اجتماعی در داخل ایران، و نیز در سطح منطقه خاورمیانه خطرناک ارزیابی کرده و به همه نیروهای پیشرو بین المللی، در مورد عدم ارزیابی صحیح از ماهیت این حکومت ارتجاعی - نظامی، هشدار می دهیم.

دولت احمدی نژاد، به اساس تحریکات و ایجاد مناقشات کوچک و بزرگ دیپلماتیک در سطح بین المللی، سرکوب جنبش های اجتماعی و طبقاتی را در ایران به پیش می برد و یار و همدست خوبی برای دولت امریکا و اسرائیل برای میلیتاریزه کردن منطقه خاورمیانه می باشد. این دولت برای ایجاد حریم امنیت برای خودش و علیه مردم ایران و مبارزان پیشرو و چپ ایرانی، دست به دادن امتیازات اقتصادی، سیاسی به دولتهای اروپای غربی و نیز روسیه و چین زده است که با منافع دراز مدت مردم ایران در تضاد آشکار است.

از سوی دیگر، دولت امریکا، جامعه اروپا و رسانه ها و نهادهای وابسته و یا نزدیک به آنها، برای ایجاد نظم نوین سرمایه دارانه شان، به تبلیغ و تقویت آشکار و گسترده بخش دیگر حکومت جمهوری اسلامی که در سالهای اخیر از قدرت رانده شده، پرداخته است. مضمون برنامه های نئولیبرال نیروهای از قدرت رانده شده جمهوری اسلامی، برای به حلقان کشیدن اپوزیسیون چپ، پیشرو و مردمی ایران در رسانه های امپریالیستی به عنوان «تنها آلترناتیو» موجود در برابر دولت احمدی نژاد تبلیغ می شود، در حالی که اپوزیسیون پیگیر و پیشرو ایرانی بیش از سه دهه است که برای سرنگونی تمامیت حکومت جمهوری اسلامی از مبارزه دست برنداشته است و خواستی جز رهائی کارگران و زحمتکشان از تمامی مناسبات فرتوت سرمایه دارانه را در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دنبال نمی کند.

همان گونه که بارها در جلسات بین المللی تاکید کرده ایم، خروج از بن بست و پارادکس، دو جناح حکومتی رژیم جمهوری اسلامی، یعنی دار و دسته نظامیان و فاشیستهای اسلامی از سوئی و نئولیبرالهای رانده شده از قدرت، از طریق تقویت آلترناتیو مستقل چپ و سوسیالیستی در ایران امکان پذیر است که خواهان تفکیک کامل دستگاه دین از دولت، شکل دهی به ارگانهای قدرت توده ای و کارگری از پائین است. تغییرات ساختاری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را برای گسترش و ژرفای بیشتر عدالت اجتماعی و حفظ آزادی های فردی و گروهی، در دستور کار خود قرار می دهد. هرگونه تقویت یکی از جناحهای رژیم جمهوری اسلامی، برای عقب راندن جناح دیگر، نیروهای پیشرو را به گرداب سیاست حاکمان اسلامی می کشاند که در نهایت به تداوم سرکوب مبارزه طبقاتی و اجتماعی در ایران و منطقه خاورمیانه منجر می شود.

• وضع زندانیان سیاسی در یک سال اخیر

با گسترش جنبش اعتراضی در سال گذشته، تعداد اعدام شدگان در ایران رو به افزایش گذارده است. در فاصله حدود دو ماه از روز برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ۲۲ خرداد ۸۸، دست کم ۱۱۵ نفر در ایران اعدام شده اند. به گزارش عفو بین الملل، رژیم جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۹، دست کم جان ۳۸۸ تن از شهروندان خود را گرفته است. محاکمات دسته جمعی و اعترافات ساختگی که در زیر شکنجه از دستگیرشدگان می گیرند، بخشی از فضای سرکوب در ایران امروز را آشکار می کند.

تعدادی از دستگیرشدگان در زندان توسط نیروهای امنیتی به قتل رسیده اند. از جمله محسن روح الامینی (دانشجو)، امیرجواد فر (دانشجو)، سهراب اعرابی و محمد کامرانی، رامین قهرمانی، حمید مداح، احمد نجاتی کارگر و نیز علیرضا افتخاری (خبرنگار) را باید نام برد که در اثر شکنجه و تبعات آن، در یک سال اخیر جان سپرده اند. ابعاد شکنجه جسمی به تجاوزات و آزار جنسی گسترده در زندانها گسترش یافته است. در برخی از گزارشاتی که از زندانها به دست ما رسیده، اسامی و اطلاعات ۶۰۰ زندانی سیاسی ارائه شده است. از ۶۰۰ زندانی موجود در لیست ۳۵۴ نفر دارای محکومیت قضائی و ۲۴۶ نفر در بازداشت به سر می برند.

هم اکنون، در زندان اوین، یکی از شناخته ترین زندانهای ایران، حدود ۱۴۵ نفر به اتهام های سیاسی و عقیدتی از ۱۹ ساله تا ۷۳ ساله، زندانی هستند. از میان این زندانیان شش نفر باتکلیف، ۹ نفر محکوم به اعدام، ۴ نفر در مرحله بازپرسی و ۱۳ نفر به اتهام جاسوسی محکوم هستند. عمده این ۱۴۵ نفر را دانشجویان و فعالان سیاسی-مطبوعاتی تشکیل می دهند. علاوه بر این تا کنون تعداد ۲۵ نفر از زندانیان به خاطر وابستگی های خانوادگی و فامیلی به سازمان مجاهدین خلق که در زندان های تهران و کرج زندانی هستند، شناسائی شده اند.

این فهرست بخش کوچکی از آمار دستگیرشدگان در داخل کشور را آشکار می کند و اسامی زندانیان سیاسی گمنام که در زندانهای مخفی رژیم که متعلق به وزارت اطلاعات و یا سپاه هستند را شامل نمی شود. علاوه بر این، به تحمیل خروج از کشور مخالفان سیاسی، به دلیل وضعیت امنیتی خطرناک در داخل کشور در یک سال اخیر باید اشاره کرد که در کمپ های پناهندگی کشورهای مختلف، در وضعیت نامعلومی به سر می برند.

سرکوب جنبش کارگری برای خواسته هایی همچون حق تشکل مستقل، افزایش دستمزدها، پرداخت حقوق معوقه، شرایط بهتر در محیط کار، در رژیم جمهوری اسلامی بدون هیچ وقفه ای ادامه دارد. بازداشت اعضای هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد نظیر رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده، عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری نمونه های کوچکی از سرکوب پیشروان کارگری به شمار می روند.

زندانهای شهرستان، به ویژه مناطقی که از پوشش خبری کمتری برخوردارند، در معرض تعرض وسیع تر حکومت قرار دارند. در منطقه سیستان و بلوچستان، دو تن از مخالفان (عبدالمالک ریگی و عبدالحمید ریگی) به دار آویخته شدند. تعداد وسیعی از فعالان کرد، در یک سال اخیر به جرم فعالیت سیاسی و مخالفت با حکومت اسلامی اعدام شده اند. برای نمونه: احسان فتاحیان، فصیح یاسمنی، فرزاد کمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان را می توان نام برد.

از میان زندانیان شناسائی شده، تعداد ۴۴ نفر را فعالان کرد تشکیل می دهند. این افراد هم اکنون در زندان های مختلف ایران دوران زندان خود را که مواردی نظیر حبس ابد و یا ۳۵ سال زندان را شامل می شود، سپری می کنند. از میان آنها سه نفر محکوم به اعدام هستند. شنیده شد که هم اکنون ۲۰ نفر دیگر از زندانیان کرد که تا کنون

قادر به شناسائی نام آنها نشده ایم، در زندان های غرب کشور منتظر اجرای حکم اعدام خود هستند.

• **همبستگی بین المللی جنبش چپ و پیشرو با زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران ضروری است**

دفاع از آزادی زندانیان سیاسی در ایران و دفاع از آزادی همه زندانیان سیاسی در سراسر جهان بستر مشترکی است که فعالان ایرانی به سهم خود در طرح و پیشبرد این خواسته به طور گسترده ای حضور داشته و خواهند داشت. حضور فعالان هیأت ایرانی در این کنفرانس برای برقراری پیوندهای نزدیکتر و مستحکم تر با جنبش های پیشرو در جهان و به ویژه در منطقه خاورمیانه است. با توجه به نقش ارتجاعی و سرکوبگرانه ای که حضور جمهوری اسلامی برای مردم منطقه خاورمیانه ایفاء می کند، امید می رود که با سرنگونی این حکومت، تأثیرات رهایی بخشی برای مردم، کارگران و زحمتکشان خاورمیانه به دنبال داشته باشد و ایران به نقطه ای برای دفاع از آزادی همه زندانیان سیاسی جهان و دفاع از حقوق بشر با مضامینی پیشرو و آینده گرا تبدیل شود. پیشنهاد ما، در این مرحله از همکاریها، ایجاد کانالهای وسیع تر ارتباطی برای تبادل خبر، تجربه و اقدامات مشترک است. این گام، یکی از پایه ئی ترین و ضروری ترین قدم هائیکست که قدمهای جدیتر بعدی را ممکن می سازد. تجربه چند سال اخیر نشان داده است که علی رغم درک چنین ضرورتی، راههای پیشبرد عملی آن به اندازه کارفی مورد توجه قرار نگرفته است.

به امید آزادی تمامی زندانیان سیاسی جهان

منبع: گفت وگوهای زندان